



جهان‌شهر

نیروهای مقاومت لبنان در تحولی بی‌سابقه ۱۴ سال پس از اتمام جنگ ۳۳روزه سال ۲۰۰۶ به شکلی رسمی خاک فلسطین اشغالی را راکت باران کردند

«نیم فاصله، تا گشودن درهای جهنم روی صهیونیست‌ها

صهیونیست‌ها تنها گام دیگر تا فروافتادن در جنگی خانمان سوز فاصله دارند. نیروهای مقاومت لبنان ۱۴ سال پس از پایان جنگ ۳۳روزه سال ۲۰۰۶، روز گذشته به شکلی رسمی مناطقی از سرزمین‌های اشغالی را راکت‌باران کردند. در این حملات ۲۱ راکت به‌سمت سه هدف صهیونیستی در شمال فلسطین اشغالی شلیک شد. این حملات پاسخی به حمله هوایی روز پنجشنبه صهیونیست‌ها به خاک لبنان بود. این حمله نیز اولین حمله نظامی صهیونیست‌ها به لبنان پس از جنگ ۳۳روزه به حساب می‌آمد.

تحولات جدید در مرزهای سرزمین‌های اشغالی در شرایطی به وقوع پیوسته است که طی هفته‌های گذشته صهیونیست‌ها تلاش داشته‌اند دست به آتش افروزی‌های جدیدی بزنند. حمله به مواضع نیروهای مقاومت در سوریه و تهدید مواضع ایران توسط صهیونیست‌ها با همراهی آمریکا و بریتانیا پس از هدف قرار گرفتن نفتکش صهیونیستی «مرسر» در نزدیکی عمان، بخشی از تنش آفرینی محور غربی-عربی در روزهای اخیر بوده است. این تحولات در منطقه دارای دلایل متعدد و متداخلی است اما بخش بزرگی از آن به ترس راهبردی صهیونیست‌ها از عقب‌نشینی آمریکا از منطقه بازمی‌گردد که

در ادامه به آن می‌پردازیم.

۹ **چرایی اقدامات اخیر صهیونیست‌ها و جبهه غربی**

صهیونیست‌ها به دلیل برهم خوردن توازن در غرب آسیا و رویکردی که آمریکایی‌ها باالاجبار برای خروج از منطقه اتخاذ کرده‌اند، بسیار هراسناک هستند. سیاست جدید خروج آمریکا از منطقه بیشتر رویکردی ذهنی و مبتنی بر عقب‌نشینی از رویکرد تهاجمی نسبت به تحولات منطقه است. تا پیش از این، آمریکایی‌ها دربرابر هرگونه تحولی در منطقه غرب آسیا دست به سلاح می‌پرند. این رویکرد باعث شد آمریکا دست کم به مدت حداقل دوده درگیر نبردهای نظامی در سطح غرب آسیا باشد. البته آمریکایی‌ها از جنگ نخست خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ وارد رویکرد تهاجمی مستقیم در منطقه شده بودند اما این سیاست با اشغال افغانستان در سال ۲۰۰۱ و اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ وارد فاز جدیدی شد واز حملات کوبنده به اشغالگری مستقیم‌رسید.

این درگیری‌ها که بعدها وارد زدوخورد‌های نظامی در دیگر نواحی منطقه ازجمله سوریه و حتی لبنان نیز شد، باعث شد واشنگتن پس از صرف هزینه‌های بسیار سنگین به این

کرد. هدف از این حملات، ارسال پیامی به مقاومت بود مبنی بر اینکه ارتش

رژیم صهیونیستی برای جنگ آمادگی دارد. البته این پیام صهیونیست‌ها بسیار ضعیف بود؛چراکه ما معتقدیم در مکان و زمان خود ارسال نشد. اضافه بر آن اهداف انتخاب‌شده غیردقیق بود و سرزمین‌های خالی از سکنه را هدف قرار داد. اهداف مدنظر آنان هیچ تلفات و آسیبی نداشت؛ این حملات صرفا مانور بود.

موضع دولت لبنان در برابر این حملات چیست؟ آیا سیاستمداران لبنانی در بیروت نسبت به مقابله اعتقادی دارند یا صرفا راهبرد در خواست کمک از نهادهای بین‌المللی ادامه پیدا خواهد کرد؟

دولت لبنان رسماً آنچه را که شهروندانش نسبت به آن معتقدند انجام نمی‌دهد و حتی چنین درخواست‌هایی را به شکلی قوی به خارج اعلام هم نخواهد کرد. نیمی از سیاستمداران این کشور نسبت به حملات صهیونیست‌ها به سرزمین مادری خود اهمیتی نمی‌دهند؛ زیرا آنان با قدرت‌های خارجی ضدمقاومت همراه شده‌اند و متأسفانه در چنین مسیری سقوط کرده‌اند. آنها همیشه به نهاد بین‌المللی‌ای مانند سازمان ملل که همانند یک دیوار برای ناله است روی می‌آورند؛نهادی که هرگز نتوانسته است رژیم صهیونیستی را از هیچ تعدی و تخطی‌ای باز دارد.

عملکرد یا واکنش سازمان ملل و شورای امنیت برای جلوگیری از حملات

رژیم صهیونیستی را چگونه می‌بینید؟ اراده‌ای از سوی این سازمان و اعضایش برای مقابله با تجاوزات رژیم صهیونیستی وجود دارد؟

سازمان ملل متحد به یک نهاد و مکانی صرفا برای شکایت تبدیل شده است؛ نهادهای که هیچ کاری در جهت وظایف خود انجام نمی‌دهد. از بدو تاسیس سازمان ملل، این نهاد هیچ بی‌عدالتی، تعدی و تجاوزی را به شکلی موثر پاسخ نداده است. از سوی دیگر موفق به یاری و کمک به هیچ قوم ستمدیده و کشور مظلومی نبوده است. همیشه ضعیفان در موضع ضعف و قدرتمندان مجاز به تهاجم بوده‌اند. این سازمان نه‌تنها تا به‌حال هرگونه اقدام صهیونیستی را محکوم نکرده بلکه همیشه به اهداف و خواست صهیونیست‌ها توجه داشته است. بدیهی است که یاری خواستن از چنین سازمانی نتیجه‌ای برای دولت و ملت در بر نخواهد داشت.

بعد از ۲۰۰۶ این اولین حملات هوایی علیه لبنان بود. آیا تل‌آویو برای درگیری جدی توان و آمادگی دارد؟

این شعار نیست که بگوییم رژیم صهیونیستی از تار عنکبوت نیز ضعیف‌تر است؛ داده‌های نبرد پیشین با گروه‌های مقاومت فلسطینی چنین امری را ثابت کرد. صهیونیست‌ها به‌شدت از آغاز نبرد با حزب‌الله می‌ترسند و در حد مقابله با توان آن نیستند. تنها چیزی که تل‌آویو در حملات و تجاوزات اخیرش به دیگران اعلام کرده، ترس و وحشت از رویاری است. بنابراین چنین

ناصر ایمانی، کارشناس مسائل سیاسی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

مذاکرات برای رفع تحریم‌ها در دولت سیزدهم باید ادامه پیدا کند

دسته‌بندی سیاسی، طبقاتی، مذهبی، دینی یا قومی پیدا نمی‌کنید، حتی از تعبیر دینی هم کمتر استفاده کرده است.

رژیمی در صحبت دیروزش تأکید کرد که دولت وفاق ملی، دولتی برای همه جناح‌های سیاسی، همه اقشار، قومیت‌ها، زبان‌ها و … است، حتی از تعبیرش در زمینه جناحی هم اصلاً نمی‌توانید برداشت کنید که اشاره‌ای به جناح اصولگرا یا انقلابی ارزش‌مدار داشته و در کلام او چنین چیزی نمی‌بینید. بلکه برعکس دولت وفاق ملی، فراجناحی می‌گویند. اگر به اسامی‌ای که درباره کابینه او مطرح است دقت کنید، تقریباً بیش از ۹۰ درصد از اعضای کابینه‌ا شهرار به چهره جناحی بودن ندارند. نمی‌توانید به آنها نسبت بدهید که از فعالان جبهه اصولگرا هستند. چهره کابینه رژیمی، غیرجناحی است، چهره‌های معروف یا غیرمعروف اصولگرا در این اسامی احتمالی نیستند. از بین این اسامی شما وقتی شما در گوگل سرچ می‌کنید به‌سختی می‌توانید اظهارنظری پیدا کنید که به‌تعبیر جناحی اشاره کرده باشند و این گونه کابینه چیدن نشان دهنده رویکرد ایشان است که اگر ما بخواهیم از این شرایط حساس کشور عبور کنیم، چاره‌ای نداریم که یک دولت ملی تشکیل بدهیم و از اختلاف‌نظرهای سیاسی، اعتقادی، مذهبی و قومی عبور کنیم.

فقط تقسیم‌بندی ایشان شناسنامه ایرانی است و این یک اقدام متهورانه و جالب از سمت او است، البته اینکه یک کابینه از همه جناح‌ها باشد، تعبیری ساده‌لوحانه است. اینها وفاق ملی نیست؛ وفاق ملی این است که دولت یک دولتی باشد که جهت‌گیری جناحی پررنگ در عملکردش نداشته باشد؛ برخلاف روحانی که بسیار جناحی عمل و جامعه‌ را متفرق کرد، همچنین احمدی‌نژاد هم در دولتش یک فاصله عمیق بین نخبگان و عامه انداخت. در دولت روحانی هم، همین فرآیند ادامه پیدا کرد؛ دولت روحانی، دولت الیگارش‌ی بود.

رژیمی با توجه به این ضعفی که در ۱۶ سال گذشته در دوره‌های روحانی و احمدی‌نژاد داشتیم، تشخیص داده است که ما باید یک دولت وفاق ملی تشکیل بدهیم تا فاصله‌ای که بین نخبگان و عامه، فاصله بین دهک‌های اول و دوم جامعه به‌لحاظ اقتصادی و فاصله شدیدی که بین جناح‌های سیاسی، حاکمیت و مردم افتاده است (این فاصله‌ها و دره‌های عمیق) را آرام‌آرام پر کند.

www.fdn.ir

@farhikhtegandaily

📷📷📷

فرهیختگان

www.fdn.ir

تحراکتی را باید تلاش در جهت پنهان کردن درماندگی و ضعف صهیونیست‌ها دانست؛ راهبرد تظاهر به قدرت برای در امان ماندن.

باتوجه به وضعیت اقتصادی لبنان، آیا این هجمه علیه توان نظامی حزب‌الله است؟ یا به‌طور کلی کشور لبنان، به‌خاطر ضعف سیاسی مورد هدف قرار گرفته است؟

هدف این حمله بالا بردن روحیه سربازان شکست‌خورده صهیونیست در میدان‌های اخیر است. قطعاً در صورت وقوع جنگ، توان آنها با قدرت حزب‌الله برابری نخواهد کرد. قدرت لبنان، از قدرت حزب‌الله است.

سناریوهای مشارکت حزب‌الله در پاسخ به این حملات کدامند؟ آیا امکان درگیر شدن محور مقاومت وجود دارد؟

اگر لازم باشد، رژیم صهیونیستی با پاسخ حزب‌الله روبه‌رو خواهد شد؛ البته این درگیری محدود به لبنان نخواهد شد. هرگونه نبرد آتی با دشمن صهیونیستی کل منطقه را شعله‌ور خواهد کرد. دیگر دو طرف جنگ، لبنان و رژیم صهیونیستی نخواهند بود؛ شکی نیست که در چنین معادلات و میدانی نیروهای محور مقاومت مشارکت خواهد داشت، بلکه طرف اصلی خواهند بود.